



۲۷
اسفند

عشق
و ایثار

ولادت حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)

نیز چهره از رخسار او برداشته، به چهره معصومی که بعدها رسالتی بزرگ را عهده‌دار می‌گشت خیره‌خیره می‌نگریست و در همین جا بود که خطاب به دخترش فاطمه (س) فرمود: «ای پاره تن من و روشنی چشمانم، فاطمه‌جان، هر کسی که بر زینب و مصائب او بگیرد ثواب گریستن کسی را به او می‌دهند که بر دو برادر او حسن و حسین گریه کند.»

قسمتی از خطبه حضرت زینب (س) در مجلس یزید: «به خدا قسم ای یزید، هر چه کردی بازگشت آن به‌سوی خودت خواهد بود، چرا که تو جز پوست خود نشکافتی و جز گوشت خود ندریدی ای یزید!

در آن روزی که خداوند بدن‌های پاک شهیدانمان را حاضر می‌کند تا حقوق خود را از سیستمگربستاند، تو بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه و آله و سلم وارد خواهی شد، اما می‌دانی در چه حالی؟ در حالی که خون عزیزان او را ریخته و حرمت ذریه او را از بین برده‌ای. آری ای یزید!

از این پیروزی ظاهری که به‌دست آورده‌ای، غرق شادی مشو، و آن عزیزان

خبر تولد نوزادی عزیز، به گوش رسول خدا (ص) رسید. رسول خدا (ص) برای دیدار او به منزل دخترش حضرت فاطمه زهرا (س) آمد و به دختر خود فاطمه (س) فرمود: دخترم، فاطمه‌جان، نوزادت را برایم بیاور تا او را ببینم. فاطمه (س) نوزاد کوچکش را به سینه فشرد، بر گونه‌های او بوسه زد، و آن گاه به پدر بزرگوارش داد.

پیامبر (ص) فرزند دل‌بند زهرای عزیزش را در آغوش کشیده صورت خود را به‌صورت او گذاشت و شروع به اشک ریختن کرد. فاطمه (س) متوجه این صحنه شد در حالی که شدیداً ناراحت بود از پدر پرسید: «پدرم، چرا گریه می‌کنی؟»

رسول خدا (ص) فرمود: «گریه‌ام به این علت است که پس از مرگ من و تو، این دختر دوست داشتنی من سرنوشت غمباری خواهد داشت، در نظرم مجسم گشت که او با چه مشکلات دردناکی روبه‌رو می‌شود و چه مصیبت‌های بزرگی را به‌خاطر رضای خداوند با آغوش باز استقبال می‌کند.

در آن دقایقی که آرام اشک می‌ریخت و نواده عزیزش را می‌بوسید، گاهی

تولد خواجه نصیرالدین طوسی

۵
اسفند

حکایت تشمت و رصدخانه خواجه نصیرالدین تشستی خواست که هم از مس ساخته شده و هم بزرگ باشد تا بتواند با صدایش هولاکوخان را بیدار کند و فرمان ساختن رصدخانه را بدهد. امیر سیف‌الدین فرمان داد تا تشمت را برای خواجه آوردند. خواجه دو تن از همراهان خود را مأمور کرد تا بی‌آن که کسی بداند، تشمت را بالای قلعه کوهی ببرند و شب، هنگامی که همه در خواب هستند، آن را به پایین اندازند.

سپس افرادی را که در اردوی هولاکو بودند، به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول را هم از افتادن تشمت آگاه کرد و هم از زمان وقوع آن. دسته دوم را تنها از فرو افتادن تشمت آگاه کرد و زمان وقوع آن را به آن‌ها نگفت. به دسته سوم هم هیچ نگفت. خواجه هولاکوخان و اطرافیانش را در دسته اول قرار داد. نزدیک سپیده صبح تشمت را از قلعه به زیر انداختند. صدای رعدآسای تشمت تمام کوهستان را به لرزه درآورد. افراد گروه سوم همه وحشت زده به هر سوی می‌دویدند و گمان می‌کردند بلایی آسمانی بر سرشان نازل شده است. گروه دوم، با خاطری پریشان به جمع گروه اول پیوستند. اما گروه اول، شادمان به رفتار گروه دوم و سوم می‌خندیدند. هولاکو پس از مشاهده این صحنه گفت: «تاکنون هیچ‌کس نتوانسته بود چنین بر دل لشکر مغول ترس اندازد. پس حکمت آن را بگو خواجه.» خواجه نصیرالدین گفت: «در این هنگام شب، آدمیان سه دسته‌اند: اول کسانی که هم بیدارند و هم آگاه، دوم کسانی که بیدارند اما آگاه نیستند و دسته سوم کسانی‌اند که نه بیدارند و نه آگاه. آن‌ها هر واقعه‌ای را غریب یا بلای آسمانی می‌دانند. این چنین شد که خواجه نصیرالدین طوسی توانست با زیرکی دستور بنای رصدخانه مراغه را از هولاکوخان مغول بگیرد.

تولد پروین اعتصامی

۲۵
اسفند

شاعر نوجوان

اشعار پروین اعتصامی دل‌نشین و روان است. ۸ سالگی پروین آغاز بهار شعر گفتنش بود و در جوانی به شهرتی غیر قابل باور رسید. برخی از زیباترین شعرهای پروین مربوط به دوران نوجوانی او است. شعر **ای مرغک را** پروین در سن ۱۲ سالگی سرود.

ای مرغک خُرد، ز آشیانه

پرواز کن و پریدن آموز

تا کی حرکات کودکانه؟

در باغ و چمن چمیدن آموز

رام تو نمی‌شود زمانه

رام از چه شدی؟ رمیدن آموز

مندیش که دام هست یا نه

بر مردم چشم، دیدن آموز

شو روز به فکر آب و دانه

هنگام شب آرمیدن آموز

ملی شدن صنعت نفت

۲۹
اسفند

خردادماه ۱۲۷۸ بود که اولین عملیات حفاری نفت در مسجدسلیمان به نتیجه رسید. این حفاری به عمق ۳۵۰ متری رسید که نفت از دل خاک فوران کرد و نام مسجدسلیمان به عنوان اولین منطقه نفت‌خیز خاورمیانه در تاریخ ثبت شد.

با رونق گرفتن صنعت نفت ایران، بیگانگان به دنبال استثمار منابع زیرزمینی کشور بودند و در هر فرصتی برای گرفتن امتیازهای گوناگون نفتی اقدام می‌کردند.

سرانجام، در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ مقرر شد که کلیه عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری نفت در دست دولت قرار گیرد و مجلس به ملی شدن صنعت نفت ایران، رأی مثبت داد.



ميلاد امام حسن عسکری (ع)

۱
اسفند

حدیث

امام حسن عسکری (ع) می‌فرماید: تمام پلیدی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن دروغگویی است. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۷

وفات حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها)

۳
اسفند

آستانه کوچ

اینک دختری تنها در میان جاده مدینه و مرو ایستاده. صدای مؤذن از دور شنیده می‌شود. چون خواست برای نماز برخیزد پیکر رنجورش نتوانست روح بزرگش را تاب آورد؛ روحی که در آستانه کوچ بود. کوچ به سرزمینی دور از شوربختی‌های زمین و تبه‌کاری آدمی. در خاطرش احادیثی شعله‌ور شد. روزی که پدرش گفت «قم، آشیانه آل احمد و پناهگاه شیعیان آن است.» در دل فاطمه نوری آسمانی روشن شد و کلام جدش **صادق (ص)** در ذهنش این چنین درخشید: «حرم ما قم است و به زودی دختری از فرزندانم که نامش فاطمه است، در آن جا به خاک سپرده می‌شود.»

را که در کربلا به خاک و خون کشیده‌ای، مغلوب و مرده مینداز. که خداوند می‌فرماید: «کسانی را که در راه خدا شهید شده‌اند مرده میندازید. بلکه آنان زنده‌اند و در نزد خدای خود روزی می‌خورند. آل عمران: ۱۶۹.

و ای یزید! برای تو همین بس که حاکم در آن روز خداوند، و دشمن تو پیامبر خدا، و باور و پشتیبان اهل بیت **جبرئیل** باشد. و به زودی کسی که این مقام را برای تو زینت داده و تو را بر گردن مسلمین سوار کرده است - **معاویه** -، خواهد دانست که چه جان‌نشین بدی برای خود تعیین کرده و در روز جزا درخواهید یافت که بدترین مکان از آن کیست و بدبختی و ضعف و زبونی شامل چه افرادی خواهد شد.»*

* خطابه زینب کبری (س)، پشتوانه

انقلاب امام حسین (ع)، صفحات ۵۵ - ۵۷، اثر محمد مقیمی، انتشارات سعدی، به نقل از طراز المذهب، ص ۳۲ و ۲۲